

سرگونی رژیم دیکتاتوری شاه وظیفه مبرم مردم ایران است اتحاد عمل همه نیروهای مخالف رژیم در یک جبهه ضد دیکتاتوری وسیله اساسی نیل به این هدف است

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

درد بر طبقه کارگر مبارز ایران

مجبور سازند. کارگران ضمناً آزادی رقابتی بازداشتی و بازگشت کارگران اخراجی را خواستار شدند. از اعتصابهای مهم اردیبهشت ماه، اعتصاب کارگران کارخانه چیت سازی تهران بود. صبح چهارم اردیبهشت کارگران کارخانه چیت سازی تهران دست به اعتصاب گسترده زدند. خواست کارگران افزایش دستمزد بود. در این کارخانه بیش از ۱۵۰۰ کارگر زن و مرد در سه نوبت کار میکنند. روز ۱۱ اردیبهشت کارخانه بوسیله مأموران مسلح شهربانی محاصره شد. ولی اعتصاب کارگران ادامه یافت. کارگران میگفتند با این دستمزدها حتی کرایه خانه را هم نمیتوانیم بپردازیم و مصرانه خواستار اضافه دستمزد بودند. روز ۱۴ اردیبهشت پلیس که از ادامه اعتصاب خشمگین بود، تدارک حمله به کارخانه را دید. بیش از صد پلیس و صند افشاش، در برابر کارخانه مسفر شدند. کارگران با انضباط دقیق در گروههای چهار - پنج نفری پشت پنجره های آهنی کارخانه جمع شده و برای نشان دادن اعتصاب، مقداری از نخ های کارخانه را پشت پنجره ها آویزان کرده بودند. پلیس که منظور قطع ارتباط کارگران با خانواده ها و مردم، پیاده روی پشت ساختمان کارخانه را قرق کرده بود تا خبر اعتصاب بخارج درز نکند، نتوانست بهف خود برسد. بزودی خبر اعتصاب پخش شد و همبستگی مردم با کارگران اعتصابی باشکال گوناگون رخ نمود. بسیاری از دانشجویان خود را به محل اعتصاب رسانده و بانچه مختلف همدردی خود را با کارگران رزمنده نشان دادند. خانواده های کارگران، مردم و از جمله دانشجویان برای کارگران اعتصابی بسته های غذا بدخل محوطه کارخانه پرتاب میکردند و علیرغم خطر دستگیری، همدردی عمیق خود را با کارگران محلی میساختند. بسیاری از سرشناسان اتومبیلها در حالیکه با سرعت از خیابان میگذشتند، برای کارگران اعتصابی دست تکان میدادند. نیمه شب روز ۱۴ اردیبهشت که دنباله در صفحه ۲

شرایطی که شاه و نخست وزیر و کارفرمایان دست در دست هم بر افزایش بهره دهی، کار کارگران - یعنی تشدید استثمار آنان - تکیه میکنند و بفکر تأمین حد اقل زندگی برای کارگران نیستند، در شرایطی که حتی قوانین نارسای کارگری بر روی کاغذ مانده و اجرا نمیشود، کارگران با هشیاری تمام از حربه اعتصاب برای احقاق حقوق خود بیش از پیش استفاده میکنند. در ماههای فروردین و اردیبهشت امسال، ما شاهد نمونه های جالبی از اعتصابات کارگری و پایداری های دلیرانه کارگران هستیم. اواخر فروردین کارگران کارخانه لاستیک سازی گودریج تهران، که یک واحد صنعتی بزرگ با حدود ۸۰۰ کارگر است، بمنظور ابراز همبستگی با اعتصاب کارگران کارخانه لوله سازی اعتصاب کردند. وزارت کار که تا این تاریخ از پذیرش خواست های قانونی کارگران کارخانه لوله سازی سر باز زده بود، در نتیجه این همبستگی مجبور به پذیرش خواستهای آنان شد و در نتیجه اعتصاب کارگران کارخانه لوله سازی با موفقیت پایان یافت. سپس کارگران کارخانه لاستیک سازی گودریج ضمن ادامه اعتصاب خواستهای خود را بشرح زیر مطرح ساختند: ۱ - افزایش دستمزد ها بمیزان ۳۰ درصد با توجه به تورم شدید و بالا رفتن هزینه زندگی. ۲ - لغو تصمیم کارفرما در مورد افزایش ساعات کار روزانه از ۸٫۳۰ به ۹٫۳۰ ساعت. ۳ - اعتراض به تشدید بهره کشی از کارگران. ۴ - متوقف ساختن جریان اخراج کارگران با سابقه و استخدام کارگران جوان و تازه کار با دستمزد اندک. ۵ - لغو جریمه غیبت که میزان آن دو برابر ساعات و یا روزهای غیبت است. اعتصاب کارگران یکپارچه و بی تزلزل ادامه یافت. با آنکه با دخالت مأموران پلیس و ساواک و بازداشت سه تن از کارگران و اخراج عددی دیگر ظاهراً اعتصاب پایان پذیرفت، ولی کارگران تصمیم گرفتند با تغییر شکل مبارزه، کار فرما و وزارت کار را به پذیرش خواستهای قانونی خود

گرانی روز افزون هزینه زندگی، تورم شدید، کمی دستمزد ها، تشدید استثمار، شرایط نامساعد کار، خشونت و بربروشی رژیم، دامنه اعتصابات کارگری را بیش از پیش گسترش داده است. در شرایطی که بهای مواد غذایی چنان سرسام آور است که کارگران حتی نان و پنیر خانواده خود را بجزمت فراهم میکنند، در شرایطی که کرایه یک اتاق در جنوبی ترین محلات تهران ماهانه بیش از ۳۰۰۰ ریال است، در

جبهه ضد دیکتاتوری

خواست قلبی مردم ما و نیاز مبرم جنبش ماست

سوی یک بحران عمومی میرود. واکنش همگانی فشار همه گیر بناچار واکنش همگانی را برمیانگیزد. سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم استبدادی شاه، که در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی عواقب شومی را برای طبقات و اقشار گوناگون خلق ببار آورده است، جبراً این طبقات و اقشار را برای دفاع از حقوق و منافع خود به مقاومت و مبارزه وامیدارد.

جنبش اعتصابی و مطالباتی طبقه کارگر ایران از نظر کمی و کیفی، در سطح عمق گسترش مییابد. اعتصاب بیش از ۳۰ هزار کارگر در ۲۶ کارخانه فقط در ماه اردیبهشت، که با تشکل و مقاومت شایان تحسینی صورت گرفته، نمونه بارزی از این واقعیت است.

دهقانان برای دفاع از آنچه در جریان اصلاح ارضی ملی مبارزه بدست آورده اند، ولی اجرا نمیشود، و برای تحقق اصلاح ارضی دموکراتیک بپا میخیزند. برخورد آنها با مالکان و ژاندارمها فزونی میگیرد.

جوانان و دانشجویان و روشنفکران برای دموکراتیزه کردن محیط تحصیلی و فرهنگی مردانه مبارزه میکنند. استقرار رسمی پلیس در دانشگاهها و مراکز عالی آموزشی، تعطیل دراز مدت و پی در پی آنها و افزایش تعداد روشنفکران زندانی نشانه ای از گسترش این جنبش است. روحانیون ترقیخواه مساجد و مدارس مذهبی را به قانون مقاومت و مبارزه بر ضد رژیم استبدادی شاه مبدل کرده اند. رهبران مذهبی و اقشار جدیدی از روحانیون که پیوند خود را با مردم حفظ کرده اند، بیش از پیش بصحنه مبارزه می آیند.

ناراضای و مقاومت در بین سربازان و افسران میهن پرست و شرافتمند رو به افزایش است. اخبار پراکنده ای که از فرار سربازان و افسران از خدمت دنباله در صفحه ۲

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، اس مسئولیت کامل در برابر طبقه کارگر و خلق ایران و با درک عمیق وظایف تاکتیکی و استراتژی جنبش انقلابی ایران، همواره اتحاد نیروهای ضد رژیم را شرط اساسی برای سرنگون ساختن استبدادی شاه دانسته و لذا با تمام نیرو و بطور بی ناپذیر برای تحقق این اتحاد مبارزه کرده است. دعوت کمیته مرکزی حزب توده ایران از تمام ی ضد رژیم استبدادی شاه برای تشکیل جبهه دیکتاتوری - که در شماره گذشته مردم، انتشار - گام تازه ای در این راه بشمار میرود و در شرایط، میهن ما دارای اهمیت ویژه ای است. تازگی، بت آن در چیست؟

فشار همه گیر باستانی خاندان پهلوی و کارگزاران رژیم، همواره کارگزاران امپریالیسم هستند، عواقب شوم، ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم استبدادی شاه، عرصه های زندگی و بدرجات مختلف دامنگیر میشود.

آن سیاست اقتصادی که ثروتهای ملی ما و همه و بیش از همه نفت ما را بفارت امپریالیستها، بازار سرمایه و کالای ما را عرصه تاخت و تاز رانه امپریالیستها و سرمایه داران وابسته به آنها، و موجب بیکاری، تورم، گرانی، کمبای و تلا میگردد، هم کارگر را به گرسنگی محکوم و هم دهقان را بیخانمان میسازد، هم پیشه ور ای در میاورد و هم سرمایه دار ملی را به ست میکشاند.

آن سیاست خارجی که ایران را، در نقش امپریالیسم در خلیج فارس به نظامیگری، تسلیحاتی، تجاوز به خاک همسایگان و سرکوب ملی رهائی بخش در منطقه میکشاند، هم نشان را که باید بار مادی این سیاست ضد خلقی ن بکشد، ناراضی میسازد و هم موجب ناخشنودی و افسران میشود، که جانشان بازیچه ایست، ضد ملی شده است. هم مخالفت میهن پرستان انگیزد، که استقلال و حاکمیت ملی خود را سیاست امپریالیستی می بینند و هم مایه نگرانی واقع بینی میشود که عواقب خطرناک این سیاست ویا نه در درک میکنند.

آن سیاست فرهنگی که در مدرسه را بروی کودکان میهن ما بسته و هزاران نفر نان مشتاق تحصیل را پشت در دانشگاه نگاه است و بجای مدرسه و دانشگاه، زندان و انان میسازد، هم جوانان و روشنفکران را به وامیدارد و هم ناراضای میلیونها و میلیونها پدر را موجب میگردد.

و سرانجام آن رژیم ترور و اختناق که ایران ندان بزرگی مبدل ساخته و سایه شوم ساواک، همه جا، حتی در میان خانواده ها گسترده و فقط خود هرگونه ابراز ناخشنودی را، از جانب باشد و بهر شکل بروز کند، با زندان و شکنجه له پاسخ میدهد، ناراضای و نگرانی را حتی به از طبقه حاکمه نیز سرایت میدهد. بدینسان ایران زیر فشار همه گیر رژیم استبدادی شاه

نگرانی رژیم از سر نوشت و بازتاب آن در اجلاس نوبتی شورای «ستو»

خود جلب نماید. شاه ملی مصاحبه با یکی از خبر نگاران عربستان سعودی این مطلب را آشکار تر بیان کرده میگوید: «وقتیکه از ما درخواست کمک شد بدون دو دلی اقدام کردیم. . . . اگر در عمان اقدام نکرده بودیم شاید ظفار بصورت آنکولای دیگر در میامد. چه بسا که افراد ارتش کویت را نیز مشاهده میکردیم. » (۵ خرداد ۱۳۵۵) وقایع آنکولا، که رژیم ضد خلقی محمد رضا شاه را سخت نگران ساخته همان پیروزی تاریخی خلق آنگولا و کسب استقلال ملی و طرد استثمار گران و مزدوران امپریالیستی از خاک کشور خود بود که کمکها و همبستگی انترناسیونالیستی اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی کوبا و دیگر کشورهای سوسیالیستی آنرا تسریع کردند. اظهارات هنری کیسینچو وزیر امور خارجه امریکا در این اجلاس منی براینکه ایالات متحده به پشتیبانی و حمایت خود از «متحدینش، ادامه خواهد داد» بازتاب روشنی از نگرانی و وحشتی است که پس از شکست امپریالیسم و پیروزی تاریخی خلق قهرمان ویتنام و دیگر خلقهای ناحیه جنوب خاوری آسیا، سرنگونی رژیم فاشیستی پرتغال، پیروزی درخشان خلق آنگولا، رژیمهای دیکتاتوری و ضد خلقی از قبیل رژیم محمد رضا شاه بدان دچار گشته اند و تلاش دارند با جلب بیشتر حمایت امپریالیسم جهانی، به زندگی جنایت بار و سطله فرعونی محکوم بزوال خود دوام بخشند.

در دورانی که به برکت توانائی روز افزون کشورهای سوسیالیستی و کوشش های مستمر و خستگی ناپذیر آنان در راه حفظ صلح و امنیت خلفا، سیاست همزیستی مسالمت آمیز بنگاه اصل مناسبات میان دول

شورای پیمان نظامی ستو روز های ششم و هفتم خرداد ماه اجلاس نوبتی خود را در لندن برگزار کرد. در این اجلاس وزیران امور خارجه کشورهای این پیمان و نیز هنری کیسینچو وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا باصطلاح عضو وابسته این پیمان شرکت داشتند.

پیمان نظامی ستو که بنا به ادعای تشکیل دهند گشتن برای دفاع از خطر احتمالی در منطقه سازمان داده شده بود، از آغاز تشکیل تاکنون همواره کانون توطئه و تحریک و وسیله سرکوب جنبشهای رهایی بخش و حفظ منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی و ضد خلقی در منطقه بوده است. اظهار نظر دنیور کل ستو در این اجلاس در مورد اینکه نیروهای نظامی ایران در عمان بمنظور حفظ صلح و ثبات منطقه و بدر خواست دولت عمان در آن کشور حضور دارند، پخویی نشان میدهد که ستو در دست دول امپریالیستی آلت سرکوب جنبش های رهایی بخش منطقه بوده و هدف اصلی این گروه بندی نظامی حفظ تسلط امپریالیستی در این منطقه میباشد.

اعطار خلعت بری وزیر امور خارجه ایران در جلسه شورای ستو در مورد احتمال تکرار وقایع آنگولا در منطقه ستو و خلیج فارس، بخوبی نشان میدهد که رژیم دیکتاتوری و ضد ملی محمد رضا شاه در برابر امواج جنبش های رهایی بخش خلقهای منطقه و گسترش دامنه مبارزات آزادخواهانه مردم ایران از سر نوشت خود سخت نگران است و میکوشد هر چه بیشتر حمایت دول امپریالیستی را در قبال ادامه تاراج ثروت های ملی میهن ما و خیانت به منافع مردم ایران و دیگر خلقهای منطقه، برای حفظ و بقای رژیم آدمکش

خبر

در ماه ژوئن ۱۹۷۶ بین نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران و شورای ملی حزب کمونیست هندوستان برای مبادله اطلاعات در باره فعالیت های دو حزب و بحث در باره مسائل مورد علاقه دیداری صورت گرفت. نتیجه مذاکرات، که در محیط رفیقانهای انجام شد، توافق نظر دو حزب را در مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع داخلی، برای تعمیق روندتشن زدانی، تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی آشکار ساخت. طرفین موافقت کردند که برای تقویت اتحاد جنبش جهانی کمونیستی بر پایه مارکسیسم - لنینیسم همکاری نزدیکتری داشته باشند.

جبهه ضد دیکتاتوری ...

و با اخراج و حبس و اعدام آنها منتشر میشود، باز تاب از این واقعیت است. زنان و دختران جوان دوش بدوش مردان در کارخانه و مزرعه و دانشگاه بصبغه مبارزه می آیند و نمونه های اعصاب آوری از پیکار جوانی، مقاومت و دلیری نشان میدهند. و سرانجام، حتی عناصر و قشرهایی از طبقه حاکمه، ناخشنود از آنچه که دامنه آنها را هم میگیرد و نگران از آینده نامطمئن که رژیم در برابر آنها قرار داده است، لب به اعتراض و مخالفت میگذارند. همه اینها نشانه آنست که دوران فروکش نهضت پایانی یافته و دوران اعتلا جنبش فرا میرسد. فشار متمرکز و واکنش پراکنده

اگر فشار همه گیر و متمرکز است، واکنش همگانی در برابر این فشار پراکنده است. محدودیت های طبقاتی، تنگ نظریهای گروهی، کوتاه بینی های سیاسی، کمرهای ها و سر درگمی های سیاسی و ایدئولوژیک همراه با خرابکارهای عوامل دشمن در صفوف نیروهای ضد رژیم و مهاجرت از همه، آنتی کمونیسم، علل عمده این پراکندگی است. این پراکندگی که غالباً با خصومت، بیزاری علیه حزب توده ایران، نیز همراه است تاکنون لطافت سنگینی به جنبش ضد رژیم استبدادی شاه وارد آورده است. و بهمان اندازه که فشار رژیم همه گیر تر و شدیدتر میشود، بهمان اندازه که واکنش در برابر فشار همگانی تر میشود و جنبش رو به اعتلا میروید، زبان چنین پراکندگی و خصومتی آشکار تر میشود.

جبهه ضد دیکتاتوری

برای آنکه پراکندگی پایان یابد و واکنش همگانی در برابر فشار همه گیر به نتیجه برسد حزب توده ایران تشکیل جبهه متحد ضد دیکتاتوری را پیشنهاد میکند. چرا؟ با اینکه فشاری که از طرف رژیم استبدادی شاه بر طبقات و اقشار گوناگون جامعه وارد میآید یکسان نیست، با اینکه طبقات و اقشار گوناگونی که به مقابله با این فشار میپردازند، دارای منافع گوناگون و گاه متضاد و به نتیجه اند، با اینکه و اجتماعی گوناگون و گاه متضاد اند، با اینکه شیوه هایی که آنها برای مقاومت و مبارزه بکار میبرند گوناگون و گاه متضاد هستند، با اینکه هدف دوری که آنها در برابر خود قرار داده اند گوناگون و متضاد است، با اینکه تمام این طبقات و اقشار، علیرغم گونه گونی و تضاد، یک دشمن مشترک نزدیک دارند و آن رژیم استبدادی شاه است و لذا یک هدف مشترک نزدیک دارند و آن سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه است.

اگر درست است که واکنش پراکنده در برابر فشار متمرکز، هر قدر هم با سرسختی و شجاعت توأم باشد، قادر به غلبه بر فشار متمرکز نیست، و اگر درست است که پراکندگی و خصوصیت درین نیروهای ضد رژیم زیان بخش است و فقط بسود دشمن تمام میشود، اگر درست است که فقط تمرکز نیروهای ضد رژیم و وحدت عمل در مبارزه بر ضد رژیم میتواند ضربت کاری بر رژیم وارد سازد، آنگاه در روشها و در هدفهای دور آنها، فقط یک راه باقی میماند و آن تمرکز و تشکّل و وحدت عمل این نیروها در یک جبهه ضد دیکتاتوری با هدف سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه است.

جبهه ضد دیکتاتوری خواست قلبی

مردم ما و نیاز مبرم جنبش ملت

حزب توده ایران همواره کوشیده است که با تحلیل علمی سیر تکاملی جامعه ما، با تعیین هدفهای مشخص تاکتیکی و استراتژیک جنبش در هر مرحله انقلاب و با تجهیز و تشکّل و اتحاد تمام نیروهای لازم و ممکن برای نیل به این هدفها، بغاوت قلبی مردم ما و نیاز مبرم جنبش ما پاسخ گوید و بدینسان از عهده انجام وظیفی که در برابر طبقه کارگر و همه خلقهای ایران دارد، برآید. پیشنهاد تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری، که اینک به تمام نیروهای ضدرژیم

دعای ارضی رهبران پکن

نسبت به خاگ جمهوری ویتنام

خبرگزاری تنس اطلاع میدهد که وزارت امور خارجه جمهوری خلق چین روز ۴ ژوئن اعلامیه ای انتشار داد که در آن یک سلسله از جزائر واقع در جنوب کشور که در مجاورت مستقیم کرانه های کشور های دیگر منطقه و در درجه اول ویتنام قرار دارند، «چینی» قلمداد شده است. یکی از این جزائر «اسپراتلی» است که دولت وقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی بر آن حق حاکمیت دارد و اخیراً نیز بار دیگر این مطلب را تأکید کرده است.

تنس میگوید: این اعلامیه وزارت امور خارجه چین ادامه مشی عمومی توسعه طلبانه ای است که رهبران پکن از سالها پیش دنبال میکنند. بطوریکه میدانیم رهبران چین عملاً بر سر زمین تمام کشور های همسایه خود ادعای ارضی دارند. در چین یک سلسله نقشه های جغرافی «تاریخی» و اطلس های کاذب چاپ میشود که در آنها نیل، بوتان، آسام، برمه، مالزی، تایلند، ویتنام، لائوس، کامبوج و برخی کشورهای دیگر جزو قلمرو سابق چین قلمداد شده اند.

تنس سپس خاطر نشان میسازد که: یاد آوری دورانی که استیلا گران چینی ولو برای دوران کوتاه بر این یا آن سرزمین مسئولی بودند باتوجه به اظهارات صریح مائوتسه تونگ معنی خاصی پیدا میکند. مائوتسه تونگ در اوت ۱۹۶۵ در جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین گفت: «ما باید آسیای جنوب شرقی و از جمله ویتنام جنوبی، تایلند، برمه، مالزی و سنگاپور را حتماً در دست داشته باشیم. این مناطق سرشار از منابع طبیعی هستند و بنا بر این بزرگترین تصرف شان مبارزاند.

نگرانی رژیم از سرنوشت

شناخته شده و خلقها مجاهدت میورزند. مواظقت نامه های مربوط به امنیت و همکاری در اروپا که در کنفرانس سران دول اروپا در هلسینکی به تصویب رسیده در همه مناطق و قاره های جهان گسترش یابد و در دورانی که تغییر تناسب نیروها بسود سوسیالیسم خلقها را به استواری پایدار و آینده ای ابدی از دهشتهای جنگهای تجاویز امپریالیستی امیدوار تر ساخته و برای تحقق بخشیدن به آرمانهای ملی استقلال سیاسی و اقتصادی و ترقیات اجتماعی، وثیقه اطمینان بخش در وجود کشور های جامعه سوسیالیستی می بینند، امپریالیسم جهانی بسرگردی امپریالیسم آمریکا ورژیم های دیکتاتوری و ضد ملی در تلاشند در کالبد گروه بندی های نظامی تجاویز که وجودشان با روح زمان معایر است چلب تازه بدمند و به تحریکات در دسیسه های خود علیه آزادی و استقلال ملی خلقها در در این یا آن منطقه جهان ادامه دهند. رژیم ضد ملی محمد رضا شاه با عضویت در پیمان ستو و پیمانهای دو جانبه با امپریالیسم آمریکا و اعمال سیاست نظامی گری و سابقه تسلیحاتی، بخش اعظم ثروت های ملی مردم ایران را بتاراج میدهد و در نقش ژاندارم منطقه بغاظر حفظ و تقویت مواضع سیاسی و نظامی و اقتصادی امپریالیسم به سرکوب جنبشهای رهایی بخش ملی در منطقه می پردازد. مردم ایران سیاست نظامیگری شرکت در پیمانهای نظامی این رژیم سفاک را که با منافع حیاتی خلقهای ایران و استقلال ملی کشور در تضاد است شدیداً محکوم میکنند.

ح. پژواک

استبدادی شاه عرضه میشود، تلاش جدید حزب توده ایران در همین جهت و همین زمینه است. تازگی و اهمیت آن نیز در همینجاست. حزب توده ایران امیدوار است که تمام نیروهای که صادقانه خواستار بر انداختن رژیم استبدادی شاه هستند، به این ندای حزب توده ایران، که بازتابی از خواست قلبی مردم ما و نیاز مبرم جنبش ملت، پاسخ مثبت گویند تا بدینسان شرط اساسی برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه فراهم آید. متحد شویم و برای سرنگونی رژیم استبدادی شاه مبارزه کنیم! م. انوشه

گواهی دوستان

رئیس جمهور موزامبیک و نخست وزیر جمهوری توده ای آنگولا.

تأثیر مهم کمکهای بی شائبه دولت اتحاد جماهیر شوروی

و سایر کشور های سوسیالیستی

را در پیروزی خلقهای خود یاد آور میشوند

از لطق لوپوناسی من تو، نخست وزیر چه توده ای آنگولا در مجلس صیاقی که از طرف مرکزی حزب کمونیست، شورایی و دولت شوروی بغاظر خی ترتیب داده شده بود: ملی سالهای همتای مبارزه علیه استعمار و امپریالیسم دوستی و همبستگی میان خلق آنگولا و شوروی استوار شد.

دولت اتحاد شوروی بیش از هر کس به های منطقی خلق آنگولا برهبری پیشاهنگ آ. ام. پ. ال. آ. توجه نمود و آنرا در کپ بی شائبه سیاسی، دیپلماسی، مالی و اقتصادی مبارزه بغاظر استقلال ملی متجلی کرد.

شایان تذکر است که کامیابی خلق آن در این مبارزه در نتیجه همبستگی رزمی اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی، دول ترقیخواه و سازمانهای دمکراتیک و ترقیخواه جهان امکان گردید. خلق آنگولایه برکت از خود گذشته سپاهیان خود و قاطعیت رهبری ام. پ. ال. آ. و همبستگی بین المللی و قبل از همه از جانب شوروی توانست استقلال ملی و حق حاکمیت آن کند و در یازده نوامبر ۱۹۷۵ پیدایش جمهوری تو آنگولا را اعلام نماید. آگوستینو تو رئیس جمهور جمهوری توده آنگولا خاطر نشان کرده است: «خاک ما های اسارت قرون همتای را از هم گسیخت و آ بدست آورد».

زمانیکه ما از پیروزی قطعی ام. پ. ال. آ. و آنگولا سخت میگوئیم لازم است که کمک بزرگی را که بنا بر درخواست ما انجام گرفت را نکتیم. این کمکها بیش از همه از جانب اتحاد شوروی و کوبا و جمهوری کینه با ارسال تسلیحات و ا کار شناسان انجام گرفت. ما در ازاء این کمک سپاسگزاری صیق خود را ابرار میداریم. پروادا - ۲۵ مه ۱۹۷۶

از لطق سامارا ماشل صدر جنبش رهایی بخش و رئیس جمهور جمهوری توده ای موزامبیک در مجلس صیاقی که بغاظر هیئت نمایندگی حزب و دولت موزامبیک از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست شورایی و دولت اتحاد شوروی ترتیب داده شده بود:

مناسبات میان جنبش رهایی بخش موزامبیک و حزب کمونیست اتحاد شوروی در دوران دشوار پیکار رهایی بخش خلق موزامبیک، در دورانی که ما یک ملت تحقیر شده و قائم مین بودیم شکل یافت و آبدیده شد. این مناسبات از همان آغاز بر پایه مبارزه مشترک علیه استعمار و نو استعمار و امپریالیسم، مبارزه بغاظر رهایی انسان و استقلال ملل بوجود آمد و گسترش یافت. حزب کمونیست اتحاد شوروی با پیروی از اصول انترناسیونالیسم پرولتاری از هیچگونه فدا کاری بغاظر پشتیبانی و همبستگی با موزامبیک و دیگر خلقها و طبقات ستمکش دریغ نداشته است. جنبش رهایی بخش و خلق موزامبیک برای کمکهای مستمر و بغاظرانه اتحاد شوروی ارزش فراوان قائلند و به مواضع انترناسیونالیستی اتحاد شوروی نسبت بمبارزه خلق موزامبیک بغاظر آزادی درود میفرستند.

خلق موزامبیک مواضع انترناسیونالیستی بی نظیر مردم شوروی و رهبری آنرا که پیوند نزدیک و متقابل میان مبارزه خلقهای همه قاره ها برای استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی با مبارزه بغاظر صلح را بدست می دهند و همواره با پیروی از اصول انترناسیونالیستی از مبارزه خلقها و طبقات ستمدیده پشتیبانی کرده و به آن یاری میرسانند با نظر ستایش مینگرند. ما میخواستیم احساسات برادرانه خلق موزامبیک را نسبت به مردم شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی ابرار داریم. ما میخواستیم مردم شوروی بگوئیم: کمکهای شما در پشتیبانی از مبارزه ما در پیروزی خلق موزامبیک که پیروزی همگانی است سهم بزرگی داشته است.

روزنامه پروادا - ۱۸ مه ۱۹۷۶

درد بر طبقه کارگر مبارز ایران

دیگر خیابانها از جمعیت خالی شده بود، پامیس فرصت را غنیمت شمرده و برای بیرون ریختن کارگران بدخل کارخانه یورش برد. مأموران مسلح پلیس کارگران را با ضرب و شتم از کارخانه بیرون ریختند و چون کارگران خواستند بسوی خیابانهای شمال شهر حرکت کنند آنان را هدف گلوله قرار دادند. در این حمله وحشیانه چند کارگر شهید، دهها نفر مجروح و تعداد زیادی از کارگران بازداشت شدند و سپس در کارخانه را بستند و پلیس مسلح جلوی کارخانه مسدود شد تا از ورود کارگران بکارخانه جلوگیری کند.

اقدام وحشیانه مأموران شاه در قبال اعتصاب قانونی و مسالمت آمیز کارگران کارخانه چیت سازی تهران، خشم و نفرت مردم و از جمله کارگران برخی از کارخانه های تهران را برانگیخت. بعنوان اعتراض به عمل پلیس و بیاعتمادی ابراز همبستگی با برادران همزم خود، کارگران کارخانه های سیمان، سیلو، چیت ری و چند کارخانه دیگر دست از کار کشیدند. در اردیبهشت کارگران کارخانه ارج که مدت ها است از شرایط ناسازگار کار خود ناراضی اند، کیفیت بد غذای کارخانه را که در قبال کسر مینای از دستمزد بانه داده میشود بهانه نموده اعتصاب کردند و ضمناً تقاضای اضافه دستمزد را نیز مطرح ساختند. در این کارخانه ۲۱۵۰ کارگر مشغول کارند. ژاندارمها که از حرکت احتمالی کارگران بسوی تهران نگران بودند، کارخانه را محاصره کردند. اما سرانجام کارگران موفق شدند خواستهای خود را به کارفرما بقبولانند. در این باره مذاکراتی میان کارگران و کارفرما برای افزایش دستمزد کارگران و بهبود غذا در جریان است. کارگران کارخانه چیت سازی مینا در ۶ کیلو متری قزوین نیز در اردیبهشت دست از کار کشیدند. کارگران به پایتین یوقن سطح دستمزد و بدی شرایط کار اعتراض دارند.

گسترش مبارزات کارگران وسط جنبش اعتصاب در میان آنان نشان میدهد که کارگران با آگ طبقاتی هر روز متحد تر در برابر استعمارگران میشکند و افسانه «آشتی طبقات» رژیم را بیش از افشا میکنند. کارگران میدانند در جامعه ای که اقلیت استعمارگر تمام مواهب مادی و ثروت ملل بخود تخصیص داده و کارگران را زیر ماشین بی اعتبار انداخته است، صحبت از «آشتی طبقات» یاهو ای بیش نیست. رژیم شاه که میلیاردها دلار از درآمد ملی را خرج خرید اسلحه میکند و رشکستکی انحصارات امپریالیستی بجیب آنان میریزد و میلیونها دلار خرج سازمان پلیسی و جاسوسی ساواک صرف تجمل دربار و ریخت و پاش خاندان خود میکند و برای حفظ خویش در برابر آتش خشم مردم روز بر دامنه ترور و اختناق میافزاید، برای بهبود زند زحمتکش و قبل از همه طبقه کارگر که در آ فقر و بیداد و استثمار میسوزد، حاضر نیست تقد بردارد. رژیم پاسخ مطالبات قانونی کارگران ر سرتیزه و گلوله میدهد. هم اکنون گردانندگان کارگ و معو دستاورد های طبقه کارگر ملی سالیان مبارزه اند و از سوی دیگر تصیم دارند سود کارخانه ها را که در اصل برای جلوگیری از پرداخت کارخانه ها را که در اصل برای جلوگیری از پرداخت کارگران و انباشتن بیش از پیش جیب استثمارگر شک نیست که طبقه کارگر ایران با ستد در مبارزه، تسلیم این توطئه ها نخواهد شد و علیرغم فقر کشتار به پیکار خود علیه رژیم که نماینده بهره ک داخلی و خارجی است ادامه خواهد داد.